



سید مهدی موسوی تبار

روزنامه‌نگار

مدت‌ها بود که از پیام دهکردی در تلویزیون خبری نبود. دهکردی اساساً بازِیگر گزیده‌کاری است. خودش می‌گوید چند سالی است که زندگی‌اش را برداشته و به لاهیجان مهاجرت کرده و همیشه تلاشش بر این بوده که گزیده‌کار باشد و پشت سر هم کار نکند و مجالی به خودش بدهد که تجربیات جدیدی کسب کند تا بتواند بهتر از قبل حضور داشته باشد. او این‌روژه‌ها بازِیگر نقشی به نام «مایکل هاشمیان» در سریال «گاندو» است؛ نقشی که از واقعیت‌های مسائل اقتصادی و امنیتی سال‌های اخیر کشور برآمده است. نقشی جنجالی شبیه «جیسون رضاییان»، جاسوس دوتابعیتی ایرانی- آمریکایی. با پیام دهکردی در مورد سسختی‌های ایفای این‌نقش و نقاط بحث‌برانگیز پخش این سریال هم‌صحبت شدیم.

۱۱۱

ظاهراً نقش‌هایی که مابه‌ازای بیرونی دارند، ساده به نظر می‌رسند، چون گفته می‌شود بازِیگر برای شخصیت‌پردازی، کار سختی ندارد. ایفای نقشی که براساس شخصیت واقعی جیسون رضاییان طراحی شده بود، چه سختی‌هایی داشت؟ اتفاقا سختی ایفای یک نقش، اگر همانندسازی نباشد، هیچ تفاوتی با سایر نقش‌ها ندارد، چون دیگر اهمیتی ندارد که شما آن نقش را به لحاظ روحیات، زندگی‌نامه و شخصیت یک فرد واقعی بازی کنید. اما اگر قرار باشد سراغ نقشی بروید که بنایش بر شبیه‌سازی است، کار کمی سخت‌تر می‌شود. خصوصاً اگر بنا را بر این گذاشته باشند که کار بازیگری روی نقش انجام شود نه کار نابازیگری. زمانی که قرار است کار نابازیگری روی نقشی انجام شود، معمولاً فردی انتخاب می‌شود که ظاهرش تقریباً شبیه آن آدم است؛ مثل همین مستند داستانی‌ها و مستند پرتره‌هایی که بارها هم از تلویزیون پخش شده است. اما برای قصه‌ای که با یک ساختار دراماتیک نوشته شده است، مطلقاً نمی‌توان سراغ نابازیگر رفت و باید یک کار خلاقانه بازیگری انجام داد و در عین حال خاصه‌های بازی هم باید ارجاعاتی به زندگی و شخصیتی داشته باشد که نقش براساس زندگی او نوشته شده است؛ که در سریال «گاندو»، بازی در نقش جیسون رضاییان بود. منتها یک سلیقه هم اینجا وجود داشت که هم من و هم آقای جواد افشار اصراری نداشتیم این شخصیتی که در گاندو هست، نعل‌به‌نعل عین جیسون رضاییان باشد، اما در عین حال تلاش هر دوی ما این بود که به سمت این شخصیت حرکت کنیم. با وجود اینکه فیلم‌ها و صوت‌هایی از جیسون رضاییان موجود بود، ولی مطلقاً اینها را نه دیدم و نه گوش کردم، چون دوست داشتم خلقی که می‌خواهم انجام دهم، خلق یگانه‌ای باشد و خلقی باشد که از فیلتر ذهنی خودم گذشته است. این طور هم نبود که بی‌اطلاع باشم. در موردش قبلاً خواننده بودم و بعدها در فرآیند پیش‌تولید کار، با آدم‌هایی که زیاد اورا دیده بودند، گفت‌وگو کردم تا ابعاد شخصیتی جیسون رضاییان را کشف کنم.

با این حال هدف من واقعاً این نبود که شخص جیسون رضاییان

را بازی کنم، بلکه هدف من ورای اینها بود و هدفم این بود که بتوانم شخصیت «مایکل هاشمیان» ی را بازی کنم که البته درونش، جیسون رضاییان هم هست و همین‌طور مدیران دزدی که بیت‌المال این مملکت را به توره‌ه کشیدند و همچنین دزدهایی که هنوز دارند به مملکت خیانت می‌کنند. اتفاقاً با این روحیه و نگاه بود که مسیر ایفای این نقش سخت می‌شد، ولی من عاشق نقش‌هایی هستم که معمولاً برایم چالش‌برانگیزند و این کارم را سخت می‌کند؛ از جمله همین نقش که باید به ۲۵ کیلو اضافه وزن می‌رسیدم و برای رسیدن به این نوع لِه‌چه، مربی لِه‌چه گرفتیم تا نقش واقعی‌تر جلوه کند.

آیا در زمان پخش سریال هم ملاحظات‌ی برای ایفای نقش لحاظ شد ی اینکه بخوانند بخش‌هایی از فیلم‌نامه را حذف کنند؟

به هیچ عنوان ملاحظه و سانسوری در کار نبود، ولی انگار الان که زمان پخش است، یک‌سری ملاحظات‌ی را که بار وارد می‌کنند که امیدوارم به کل قصه آسیب‌نزنند. به هر حال فعلاً در حد حذف یا جابه‌جایی چند کلمه و جمله بوده و به‌ش‌اکله این قصه آسیبی نرسانده است.

آیا این مدل حاشیه‌هایی که این‌روزها در مورد سریال مطرح می‌شود، قابل‌پیش‌بینی بود؟

دیگر تا این حد قابل پیش‌بینی نبود؛ چون فکر می‌کردیم این

فرهنگ



پیام دهکردی، بازِیگر نقش «مایکل هاشمیان» در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

«گاندو» جناحی و قابل‌مصادره نیست

هر فردی که دارای عقل ابتدایی است، آسیبی را نشان دهد یا مثلاً بگوید دندانم کرم خورده است، می‌گوید این کرم خوردگی برای امروز و دیروز نیست و حتماً ۱۰ سال پیش کاری کردی که امروز کرم‌خوردگی‌اش هویدا شده است. وضعیت اقتصادی ما هم همین است. من بارها گفته‌ام همین خاوری از کجا آمده است، مگر از رژیم صهیونیستی آمده. این فرد مدیر این مملکت بوده است مثل خیلی از کسان دیگر. اینها خروجی نوع تربیتی است که از لحاظ فرهنگی اتفاق افتاده است. ما در زمینه اطلاعاتی و امنیتی در دنیا، شماره یک و دو هستیم و این هم افتخار آفرین است، ولی ای‌کاش مسئولان آفازاده‌ها اصلاً ربطی به اول هستیم، در حوزه فرهنگی هم قوی بودیم. این رفتارهای حاشیه‌ای و سانسور و حذف فلان جمله در سریال و این مدل اعمال فشارها، از جمله علائم فضای کوچک فرهنگی است؛ آن هم در روزگاری که عصر اطلاعات است و مردم با هزار روش به انواع اطلاعات دسترسی دارند. حالا در این شرایط تلاش‌هایی می‌کنند که مثلاً سریال را سانسور کنند؛ واقعاً یعنی چه! اصلاً این پروژه مال جمهوری اسلامی است.

من اصلاً انتظار نداشتم نقدها تاگهان تبدیل به جریانی بشوند که کار را تحت فشار بگذارد و سانسور کنند. این برای من باورنکردنی است، چون فکر می‌کردم این منتقدان می‌گویند من به‌عنوان فلان مسئول، فلان دولتمرد، فلان نماینده مجلس یا فلان مقام قضایی دارم کار خودم را می‌کنم و خوب است که اجازه بدهیم این کار آسیب‌شناسی هم بشود و در موردش نقد لاچکری، باعث ایجاد حاشیه‌هایی شد و دیگر آن برنامه پخش شد.

یک پیام، چند نقش

پیام دهکردی هم مانند اردشیر رستمی با سریال شهریار به شهرت رسید؛ با این تفاوت مهم که دهکردی قبلاً تئاتر کار کرده بود و بعد از آن هم کارش را ادامه داد، اما رستمی گرافیکست بود. آنهایی که اهل تئاتر بودند، با دهکردی قبل از سریال شهریار هم آشنایی داشتند و می‌دانستند چه استعدادی در این جوان متولد ۵۶ وجود دارد. پیش از شهریار اما دهکردی در اوایل دهه ۸۰ با سریال «باغ بلور» رامبد جوان و «یک تکه نان» کمال تبریزی وارد تلویزیون و سینما شد. «مدار صفردرجه»، «هوش سیاه ۲»، «گاوصندوق» و «گذر از رنج‌ها» از سریال‌های دیگری است که دهکردی پیش از «گاندو» در آنها نقش آفرینی کرده است. دهکردی در سینما هم نقش‌های متفاوتی را بازی کرده؛ از کار با فرمان‌آرا در «دلم می‌خواد» تا «جیب‌رب خیابان جنوبی»، «همیشه پای یک زن در میان است»

و «یک بوس کوچولو». دهکردی سال‌هاست در تئاتر فعالیت می‌کند و در نمایش‌هایی مانند «رقص زمین»، «جنایت و مکافات»، «کرگدن»، «مولوس کبیر» و «مرد بالشی» بازی‌های درخشان‌ی از خود به جا گذاشته است. او عاشق نقش‌های سخت و متنوع است و تسلطش در حوزه ادبیات و کتاب، در بازیگری کمک شایانی به او کرده است. دهکردی سابقه اجرا در تلویزیون هم دارد. سال گذشته برنامه «شب تئاتر با اجرای اواز شبکه چهار سیما پخش شد که حضور پارسایی و نقدهای این برنامه از تئاترهای لاچکری، باعث ایجاد حاشیه‌هایی شد و دیگر آن برنامه پخش شد.

۵ ممنوع‌الکاری یک شاعر به‌خاطر مصاحبه!

اسماعیل امینی، شاعر و طنزپرداز از ممنوع‌الکارشدن صابر قدیمی به‌دلیل انجام مصاحبه و حضور در میزگردی با موضوع نقد برنامه‌های فرهنگی سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران خبر داد. امینی در صفحه خود در شبکه مجازی اینستاگرام در این زمینه نوشت: «چند ماه قبل من و دوست شاعرم صابر قدیمی با خبرگزاری مهر مصاحبه کردیم و در تعطیلی جلسات ادبی و هنری فرهنگسراها گلابه کردیم. حالا صابر را در لیست سیاه گذاشته‌اند و قرار است برایش دردسر درست کنند. من از طرف خودم و از طرف صابر قدیمی و حتی از طرف تمامی شاعران و هنرمندان و مردمی که به جلسات فرهنگسراها می‌آمدند، اعلام می‌کنم که ما اشتباه کردیم و پشیمانیم و حق با مدیران قدرتمند و قاطع سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران است و هر چه جلسه ادبی و شاعر و هنرمند و دوستدار شعر است فدای یک تار موی مدیران و قربانی یک پینه پیشانی ایشان. مرگ بر شعر و هنر و درود بر مدیران قاطع و مقتدر». صابر قدیمی در این میزگرد در بخشی از صحبت‌هایش گفته بود: «در سازمان‌های فرهنگی هنری اگر جشنواره‌ای برگزار و کتابی منتشر می‌شود از ۱۰۰ صفحه کتاب، ۹۰ صفحه‌اش مقدمه مسئول است. ما نمی‌دانیم اگر بگویند خروجی فرهنگی فعالیت‌های مسئولان را نام ببریم، به چه چیزی اشاره کنیم. با توجه به اینکه چند وقت پیش بودجه‌ها مشخص شد که بنیادها و سازمان‌های فرهنگی چه‌میزان بودجه دریافت می‌کنند اما خروجی فرهنگی آنان بسیار ضعیف است.»

بنویسند و جلسات بررسی موضوع را برگزار کنند و ببینند آیا اساساً چنین بحران‌هایی هست یا نه. ما اگر می‌خواهیم واقعا نجات پیدا کنیم، نجات در صداقت است و بهترین سیاست هم صداقت است.

این تجربه شخصی من هم هست. جاهایی که در زندگی شکست خورده‌ام و آسیب دیده‌ام جاهایی بود که دروغ گفتم و جاهایی که رشد کردم و قد کشیدیم، آنجا بود که قدم‌هایم را با صداقت برداشتم. ما چرا نباید بر این اساس رفتار کنیم؟ این انقلاب مگر یک انقلاب فرهنگی نبود؟ نمی‌شود که ما اسم انقلاب‌مان را فرهنگی بگذاریم و عده‌ای زیر سایه‌اش غیرفرهنگی رفتار کنند. آرمان‌ها و سرفصل‌های سال ۵۷ این مملکت را مرور کنید؛ چه سختی می‌شود دید بین چیزهایی که اوایل انقلاب وجود داشت با بسیاری از چیزها که امروز می‌بینیم؟ اتفاقاً بگذارید صادرکننده این سریال خودمان باشیم. این استقبالی که مردم از «گاندو» کرده‌اند را باید قدر دانست. مردم به جای اینکه بروند سراغ یک سری کانال‌های بی‌هویت و برنامه‌های خبیثانه رسانه‌های آن‌طرفی که هیچ دلسوزی‌ای پشتش نیست، یا اینکه وقت‌شان را پای شبکه‌های اجتماعی و دنیای مجازی و امثال این چیزها به بطلالت بگذارند، آمده‌اند پای سریالی ننشسته‌اند که بحث آن درد این مملکت است.

یعنی فکر می‌کنید ظرفیت نقدپذیری در مدیران ما وجود ندارد؟

گاهی طوری با ما برخورد می‌شود که انگار مدیریتی یک‌دست و پاک و معصوم در کشور داریم. ببخشید این را می‌گویم، ولی کسانی که به‌عنوان مفسد اقتصادی دستگیر شده‌اند و وام‌های میلیاردری از بانک‌ها گرفته‌اند، من بودم یا شما بودید؟ من و شما همین الان اگر برای یک وام معمولی اقدام کنیم، چه مصائبی را باید از سر بگذرانیم؟ ما مردم‌مان را چه فرض کرده‌ایم که فکر می‌کنیم گول می‌خورند؟ به فرض اینکه جلوی نقد امثال ما هم گرفته شد، آیا مردم این‌را که همه مدیران ما معصوم هستند باور خواهند کرد؟ وقتی به کسانی که مفسد اقتصادی هستند مراجعه می‌شود، می‌بینید که خط و ربط‌هایی با مقامات دارند. همین پرونده‌ای‌را که قوه قضائیه الان دارد بررسی می‌کند ببینید؛ حتی اکثر این مفسدان چهره ظاهر صلاحی هم دارند. خب این اشکال است دیگر. این‌را باید ببینیم، باید بباییم و صادقانه بگوییم بله درست است، مردم عزیز! ما اشتباه کردیم، ما باید این گونه مدیریت می‌کردیم که نکردیم و می‌خواهیم درستش کنیم. اما حالا نه‌تنها نقد را نمی‌پذیرند، بلکه بهشان برمی‌خورد و ناراحت می‌شوند و از آن بدتر، شروع می‌کنند به فشار آوردن و تلاش برای سانسور و حذف این سریال. این سرزمین و این وطن برای اینکه به اینجا برسد قرن‌هاست هزینه داده و چه خون‌هایی که به پایش ریخته شد؛ برای آزادی‌اش، برای استقلالش، برای آرامش و امنیتش و برای هویتش. من اعتقاد دارم که آقایان باید سعه صدر داشته باشند و اجازه بدهند این سریال پخش شود. اشکال ندارد! شما هم یک سریال بسازید و حرف برعکس «گاندو» را بزنید. شما اگر دل‌تان می‌خواهد که به قول معروف رفتار متقابل نکنید، همین کار را بکنید ولی بگذارید مردم صادقانه آنچه‌را که هست ببینند.



جیسون رضاییان کیست؟

جیسون رضاییان، متولد ۱۵ اسفندماه سال ۵۴ در آمریکا است و تابعیت دوگانه ایرانی-آمریکایی دارد. پدر او مشهدی‌الاصل و مادر وی آلمانی است. رضاییان با گذرنامه ایرانی خود وارد خاک ایران شد و در پوشش خبرنگار به فعالیت در کشور پرداخت. جیسون از سال ۸۳ در پوشش خبرنگار نشریه «سانفرانسیسکو کرونیل» مرتباً به ایران ترمه می‌کرد و تلاش داشت در این سفرها شبکه عوامل خود را برای جمع‌آوری اخبار موردنظر از ایران شکل دهد. خروج او از ایران با درخواست وزارت ارشاد وقت در سال ۱۳۸۸ و سفر به دبی و البته آشنایی با «لارا سترکیان» (فردی که براساس شواهد موجود، در پوشش خبرنگار شبکه ABC آمریکا برای سرویس اطلاعاتی این کشور فعالیت می‌کند)، شرایط آشنایی رضاییان را با یکی از مسئولان میز ایران در کنسولگری آمریکا در دبی به نام «مک کاجن» فراهم کرد.

او در سال ۱۳۹۱ بار دیگر به ایران بازگشت، اما این‌بار با پوشش خبرنگار روزنامه «واشنگتن پست» که نامی آشنا و معتبر در عرصه رسانه‌ای جهان به‌شمار می‌رود. اسناد موجود نشان می‌دهد وی پیش از عزیمت به تهران با «جان لیمبرت» (از دیپلمات‌های آمریکایی به گروگان گرفته‌شده در لانه جاسوسی) دیدار و گفت‌وگو می‌کند. در همین حین جیسون با خانمی به نام «یگانه صالحی» آشنا شد که همین آشنایی به ازدواج این دو نفر در سال ۱۳۹۲ منجر شد. پس از این آشنایی، یگانه صالحی ابتدا به استخدام خبرگزاری «بلومبرگ» و سپس «نشنال امارات» درآمد و تیرماه سال ۹۳ در ایران به اتهام «جاسوسی» دستگیر و محاکمه شد. آقای رضاییان مدت ۱۸ ماه در زندان بود. در ۲۶ دی ۱۳۹۴ و همزمان با حضور وزرای خارجه ایران و آمریکا در وین به‌منظور قرائت بیانیه اجرایی شدن برجام، دادستان عمومی و انقلاب تهران اعلام کرد در راستای مصوبات شورای عالی امنیت ملی ایران و مصالح کلی نظام، چهار زندانی ایرانی دوتابعیتی در چارچوب مبادله زندانیان آزاد شدند که رضاییان نیز یکی از آنها بود.

۵ چارسو

۵ آغاز ساخت دکورهای سریال موسی^(ع)

سریال حضرت موسی(ع) خیلی وقت است که حرف از ساخته‌شدنش شده و هربار به‌دلیلی عقب افتاده است. اما حالا این‌بار انگار کار رو به اتمام است. احمد میرعلایی، تهیه‌کننده سریال «موسی(ع)» در گفت‌وگویی با «مهر» درباره وضعیت سلامتی جمال شورجه، کارگردان این سریال عنوان کرد: «حال جمال شورجه رو به بهبود است و امیدواریم در آینده نزدیک بتواند به محل کارش برگردد.» وی درباره شرایط پیش‌تولید پروژه تلویزیونی «موسی(ع)» به کارگردانی جمال شورجه نیز توضیح داد: «کارهای پروژه «موسی(ع)» در جریان است و با حضور مشاوران شورجه پیش می‌رود. این تهیه‌کننده با اشاره به اخبار جدید از پروژه اظهار کرد: «در روزهای آینده شروع کار ساخت کمپ را خواهیم داشت که مرکزی برای کارگاه‌ها و پشتیبانی اصلی تولید سریال خواهد بود. همچنین در آینده نزدیک ساخت دکورها را نیز در دستور کار خواهیم داشت؛ دو شهر اصلی مصر در شهرک سینمایی ایجاد می‌شود و از دکورهای سریال «یوسف پیامبر» نیز استفاده می‌کنیم. «میرعلایی در پایان درباره تصویربرداری پروژه در کشورهای خارجی نیز اظهار کرد: «تصمیمی نداریم به کشور دیگری برویم، برای ما ساخت خوب و قوی سریال مدنظر است و امکاناتی هم که نیاز داریم در داخل فراهم است؛ برای حضور هنرمندانی که طراحی بخش‌های مختلف را برعهده دارند تمهیدات سینمایی لازم پیش‌بینی شده است.»

۵ آغاز فصل جدید «دستپخت» با کسانی که آشپز نیستند

سیدوحید حسینی، مجری و کارگردان مسابقه آشپزی «دستپخت» با اشاره به آغاز پخش این برنامه گفته است: «مسابقه «دستپخت» در پنج سال در فرم‌های مختلفی اجرا شده و تنها مسابقه آشپزی حرفه‌ای در ایران است. ما از سال گذشته تجربه جدیدی داشتیم و تعدادی از کسانی که برای شرکت در این مسابقه آشپزی و آموزش به آنها انتخاب کردیم، افرادی بودند که از آشپزی چیزی نمی‌دانستند.» حسینی درباره فصل جدید این برنامه گفت: «ما سال شرکت‌کننده‌ها را از بین دختران و پسران ۱۹ تا ۲۵ سال که علاقه‌مند به آشپزی بودند انتخاب کردیم، ما هرروز برای آنها کلاس برگزار می‌کنیم و مدرسان نیز تدریس و آموزش از سطح پایه تا سطح پیشرفته را شروع کردند. این دختران و پسران جوان طی فراخوانی برای مصاحبه آمدند و ما خواستیم در این مصاحبه به یقین برسیم که آیا اینها این آمادگی را دارند که آشپزی را به‌عنوان شغل آینده خود انتخاب کنند یا خیر. ما متقاضیان زیادی از تهران و شهرستان داشتیم. ما از میان ۲۵۰۰ نفر حدود ۲۴ نفر را انتخاب کردیم. این افراد از نظر آشنایی با آشپزی صفر هستند و بعد همزمان آموزش می‌بینند و مسابقه می‌دهند. این مسابقات به‌صورت گروهی برگزار می‌شود؛ ما در کارهای گروهی خیلی قوی نیستیم و چند سالی است که والیبال یا چند رشته ورزشی گروهی مان مقام می‌آورند و بیشتر ورزش‌های تک‌نفره‌مان مقام می‌آورد. به‌همین دلیل ما تلاش کردیم به این بچه‌ها یاد دهیم کار در آشپزخانه کاری گروهی است.»